

شارژ دو طرفه ی اعتبار یک تواب

آیا پروژه مشابه نوفل لوشاتو در دست اجراء است؟

مزدک بهرامیان

شنبه شانزدهم شهریور ۱۳۸۷

سالهاست که جنبش های اجتماعی در حال رشد هستند. و امپریالیستها تلاش می کنند تکالیهای رنگارنگی در ویتترین خود ذخیره کنند. از تکخال های ذخیره شده می توان به ابراهیم یزدی، شیرین عبادی، اکبر گنجی، سازگارا و... که سالهای گذشته مانند عروسکهای خیمه شب بازی به دور دنیا گردانده و به چهره تبدیل کرده سپس در آب نمک خوابانده اند اشاره کرد. فعلا" آخرین قهرمان پروژه نوفل لوشاتوی جدید علیرضا ثقفی خراسانی است. ایشان بیش از یک سال به تلاش سخت اقدام کرده است. این قهرمان و ناجی از آسمان افتاده ی امروز کارگران و تواب سالهای دهه شصت از دو طرف شارژ اعتبار می شود. از یک سو جمهوری اسلامی می خواهد او را برای روز مبدا بعنوان رهبر انقلابی کارگران بشناساند. از طرف دیگر دلالتان بین المللی امپریالیستها در جنبش کارگری (همچون مهدی کوهستانی و...) کوشش می کنند او را بعنوان نماینده مستقل جنبش کارگری به نامی جهان و خلقهای ایران شناسانده سپس به کارگران تحمیل نموده و ویتترین تکالیهای خود فروختگان امپریالیست ها را رنگین تر نمایند.

اما در حال حاضر جمهوری اسلامی سر دوراهی است. این تواب قبلا" تنها متعلق به جمهوری اسلامی بوده است امروز صاحب خارجی نیز پیدا کرده و دوجانبه کار می کند. پس برای جمهوری اسلامی حداقل فعلا" چندان سودی ندارد که اعتبار او را زیاد شارژ کند به همین دلیل است که در ماجرای دستگیری اخیر ایشان، شک و تردید پیش آمده است. حتی به صراحت گفته می شود او دستگیر نشده بلکه نمایش داده اند. (اما اگر جمهوری اسلامی احساس کند که توابش ممکن است آنقدر بی اعتبار شود که دیگر ببرد نخورد مسلما" او را دستگیر و مدتی که برای کسب اعتبار مجدد لازم باشد در زندان نگهداری خواهد کرد.)

کانون مدافعان حقوق کارگران خبر رسانی میکند اما اطلاعیه رسمی صادر نمی کند و هیچ کدام از تشکلهای کارگری و جنبش های دیگر در داخل اطلاعیه صادر نمی کنند (چون به موضوع شک دارند و احساس می کنند که یک نمایش است.) اما دوستان خارجی ایشان که برایشان در بیابان لنگه کفش نعمتی است سنگ تمام می گذارند. این اثبات کننده نوفل لوشاتوی بودن برنامه فوق است. اما در داخل وزارت اطلاعات با احضار ایشان خوراک تبلیغاتی خوبی به دست طرفداران پروژه می دهد و طرفداران ایشان طوری تبلیغ می کنند که ثقفی و خانواده اش را برای اینکه در مراسم خاوران شرکت نکنند تحت فشار قرار داده اند. سوال این است اگر کلکی در کار نیست چرا فقط ایشان و خانواده ایشان تحت فشار قرار داده شده اند آیا مراسم خاوران وابسته به شرکت این سه نفر است و اگر آنها شرکت نکنند دیگر مراسم برگزار نمی شود؟ آیا این تبلیغ مانند تمامی کار های ثقفی نشان از خودمحوری و بزرگ نمای نیست؟ اگر ماموران با دستگیری و احضار قصد جلوگیری از مراسم خاوران داشتند فقط به تهدید سه نفر اکتفا می کردند؟ یا حداقل صد نفر را

باید تحت فشار قرار می دادند؟ جواب با روش جدید سرکوبگرانه که ماموران در خاوران به کار بردند نشان داد که موضوع ثقفی هیچ ربطی به خاوران نداشت و نمایش بودن آن هرچه بیشتر افشا شد.

هدف از این تبلیغات چیست ؟

ظاهر " این قهرمان توانسته است خود را به جنبش کارگری سنجاق کند و حالا می خواهد وانمود کند که خود و خانواده اش در مراسم خاوران وزنه اصلی و مهمی هستند جمهوری اسلامی آنها را احضار و ثقفی را بازداشت کرده تا مراسم برگزار نشود. بدین طریق می خواهد خود را به خاوران نیز سنجاق نماید و از شهدای سواستفاده کند. شاید برخی از آن شهدا در نتیجه گزارشات همین توابع کشته شده اند.

شاید در مراسم های آینده نیز جمهوری اسلامی اعتبار او را شارژ کند تا این قهرمان را به آنها نیز سنجاق نماید. فعالان داخلی و تشکلهای موجود تحت فشار تبلیغات سنگین دلالان امپریالیستی و ضد خلقی در حوزه کارگری خارج از کشور به جهت سازماندهی نوفل لوشاتوی جدید و برای جلوگیری از ایجاد تفرقه بیشتر علی رغم اینکه می دانند چه نمایشی در حال اجرا است ، سردوراهی مانده ، سکوت اختیار کردند.

اگر اتفاقات یکی دو سال گذشته را در رابطه با ثقفی کنار هم بگذاریم به واقعیت تلخی خواهیم رسید. ایشان با دوستانش کوشش کردند "کانون دفاع از حقوق کارگران" بسازند تا از طریق آن خود را بعنوان نماینده کارگران تحمیل نمایند. چون طبق توافق با دلالان خارج از کشور ایشان باید دارای تشکل باشد تا بتواند از طریق آن تشکل بعنوان نماینده کارگران توسط دلالان به مجامع بین المللی دعوت شود و برای اینکه بتواند دعوت شونده تشکلش، خودش باشد. باید نفر اول و صاحب اختیار تشکل مربوطه باشد. و بقیه همه سیاهی لشکر باشند. بیش از یک سال طول کشید ولی در کانون دفاع از حقوق کارگران نتوانست صاحب نام اختیار شده و بقیه را مثل بره تابع بی چون چرای خود نماید. در میان نفرات کانون دفاع از حقوق کارگران افراد اندیشمندی شرکت داشتند که حاضر به خیانت به جنبش کارگری نبودند و همچنین حاضر به ساخت و پاخت و تقسیم غنایم نبوده و همچنین نادان و احمق هم نبودند که در مقابل برنامه های از پیش طراحی شده سکوت نمایند. در نتیجه کانون دفاع از حقوق کارگران تشکیل نشده، منحل شد. و در یک برش ناگهانی و پنهانی بخشی از دوستان خود را که حاضر به پذیرش ریاست بی چون و چرایی ثقفی نبودند کنار گذاشته اقدام به ساختن تشکل جدیدی با نام "کانون مدافعان حقوق کارگران" کردند. در این مجموعه ثقفی با چند رئیس قبلیه و چند کوتوله قول قرار تقسیم غنائم گذاشته و توانستند تعدادی فریب خورده را نیز با خود همراه کنند.

پس از اعلام رسمی کانون مدافعان دست دلالان خارج نشین امپریالیستها در جهت پیشبرد پروژه نوفل لوشاتوی باز شده اقدام به شارژ اعتبار و پروار کردن ثقفی نمودند. سپس او را بعنوان نماینده مستقل جنبش کارگری به آی ال او دعوت و شروع به بزرگ نمایی ایشان کردند اما در این مسیر دو مشکل پیش آمد که یکی به سود و دیگری به زیان ثقفی بود. آنکه به سود ثقفی بود مخالفت نمایندگان دولت ایران و جلوگیری از سخنرانی او در آی ال او بوده است که باعث گردید کارگران و فعالان داخلی برای مخالفت با نظام به سمت دفاع از ثقفی کشیده شوند. (شارژ اعتبار از طرف جمهوری اسلامی)

و آنکه به زیان ثقفی بود مخالفت بخشی از فعالان خارج کشور با او در زمان برگزاری اجلاس آی ال او و ادامه آن در داخل کشور که تعدادی از فعالان او را تحت فشار قرار دادند که شما به نمایندگی کدام کارگران به آنجا رفتید؟

دلایان بیرون و دوستان داخلی ثقفی برای حل مشکل دوم طرحی ریختند که بخشی از آن سو استفاده از کارگران هفت تپه (فعالان) بود. طبق اخبار رسیده از کانالهای مختلف مانند (کارگران هفت تپه، فعالان کانون و فعالان دیگر) آقای ثقفی پول زیادی بین برخی از کارگران هفت تپه تقسیم کرده است. که تهیه آن مقدار پول از عهده خود و دوستانش بر نمی آید. در این طرح ثقفی و دوستانش در پی اجرای طرح نوفل لوشاتوی اقدام به خرید کارگران کردند، تا از این طریق اگر در آینده اجلاسهای پیش آمد، کارگران واقعی ثقفی را بعنوان نماینده خود به خارج بفرستند و اگر کسی اعتراض کرد ایشان با توپ و تشر ثابت خواهد کرد (مثلاً کارگران هفت تپه او را بعنوان نماینده خود فرستاده اند. الی آخر...) این هدف اصلی از بازیچه قراردادن کارگران هفت تپه است. اگر پول تقسیم شده از طرف کارگران و فعالان اجتماعی باشد که معلوم است جز کمک به هم طبقه ی ها، هیچ هدفی را دنبال نمی کنند بنابراین دلیلی برای پنهان کردن ندارند. و باید با سر بلندی اعلام کرد که کارگران به هم طبقه ی های خود کمک مالی کردند. اما اگر از کانال دلایان باشد هدف خرید و بازیچه قراردادن کارگران است که البته باید پنهان شود. صد در صد جمهوری اسلامی از موضوع خبردار است و از آرامشی که با تقسیم پول ایجاد شده سود می برد. در این صورت آیا ثقفی واسطه فریب کارگران نشده است؟

اما چون تنها پول نمی تواند دل کارگران را با ایشان همراه کند قسمت دوم طرح باید اجراء شود. پس ایشان باید قهرمان شود. زندانی شدن چنین قهرمانی و شارژ اعتبار را به او می دهد.

ادامه طرح با تشکیل کانون مدافعان کارگری و شرکت بزرگ مردان سازش طبقاتی مانند زرافشان، رئیس دانا و چند کوتوله پیش می رود. تا اینکه موضوع دستور خرید کارگران ابلاغ می گردد و ثقفی در زمان اجرای دستور فوق شورای همکاری را بعنوان حریف در مقابل خود می بیند. که ظاهراً موفق به خریداری شورای همکاری نیز شده است. در ادامه پروژه ثقفی و پروار کنندگان او احساس می کنند که اعتبارش برای بزرگتر شدن کم است. اگر از طرف جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شود اعتبارش بیشتر شارژ می گردد. اما جمهوری اسلامی می داند نباید به این زودی او بزرگتر کند در نتیجه زندانی نمی کند. ولی کانون مدافعان کارگری تصمیم می گیرند بدون دستگیر شدن ثقفی نقشه را پیش ببرند. بدنبال احضار واقعی و زندانی شدن ساختگی می توانست در اجرای قسمت دوم طرح (قهرمان شدن) کمک ناجی کارگران باشد. که متأسفانه برخی از قسمت های نقشه لو رفته است. بعلت نادانی او همان زمانی که طبق اخبار ارسالی از کانون مدافعان که ایشان باید در بند ۲۰۹ باشد در خیابان دیده می شود. کانونی ها دستپاچه شده اعلام می کنند ایشان روز پنجشنبه آزاد شده است. غافل از اینکه رسم و عرف حکومت اسلامی دگر گونه است که روز های آخر هفته (سه شنبه، چهارشنبه) دستگیر می کند و به بهانه تعطیلی پنجشنبه و جمعه چند روز بیشتر نگه می دارد. در حالی که می گویند ثقفی پنجشنبه آزاد شده است.

آقای زرافشان در مصاحبه خود می گوید ثقفی ۴۸ ساعت در اوین بوده است. گفتن همین حرف نشانگر وجود شک و تردید است. مثل اینکه آقای زرافشان ریش سفید قبیله است که هرکدامشان افتضاح به بار بیاورد ایشان وظیفه دارد جفت و جور کند فعلاً ابوذر سوسیال لیبرال ها شده است. ایشان در تائید موارد مشکوک سابقه دار است (در ماجرای دانشجویان نیز که برخی از آنها دستگیر نشده بودند ایشان می گفت نه، دستگیر شده اند. مانند ماجرای عابد توانچه) از قرار معلوم ایشان بزرگ قبیله سوسیال لیبرالها و سازکاران طبقاتی موظف است هرگاه مشکلی پیش آمد ریشش را

بجانبند.

موضوع اصلی این است که امپریالیستها می خواهند قبل از اینکه جنبش کارگری بتواند رادیکالیزه شود مهره های سازش کار و سوسیال لیبرال را بعنوان رهبران کارگری بزرگ کرده به طبقه کارگر تحمیل کند و سپس در ویتترین خود برای روز مبادا آماده چیده باشد. یکی از گوی ها به اسم ثقفی در آمده است. درک موضوع زیاد سخت نیست اندکی دقت کنید:

ثقفی در مصاحبه خود با دوپچه وله شکسته نفسی کرده خود را واضح و شفاف نماینده کارگران معرفی نمی کند اما روشن و شفاف عدم نمایندگی خود را نیز اعلام نمی کند. در ادامه تبلیغات دلالان امپریالیستی نفوذ کرده در بخش کارگری در تمامی سایت های خود اول مصاحبه را این گونه شروع می کنند " **نخستین نماینده از جنبش مستقل کارگری در سازمان جهانی کار** ... " این یک جمله تمامی آنچه که پروژه نوفل لوشاتوی لازم دارد در خود دارا است و بقیه متن مصاحبه در مقابل این جمله پیشیزی ارزش ندارد. جهت اثبات گفته بالا به برخی از تیتیر و سوتیتیرهای انتخابی در سایتها ی که آگاهانه یا نا آگاهانه با سرمایه داران و امپریالیستها برای حاکم کردن رفرمیست در جنبش کارگری هماهنگ شده اند اشاره می کنیم:

۱- نخستین نماینده از جنبش مستقل کارگری در سازمان جهانی کار

۲- زوبند دولت ایران با سازمان بین المللی کار برای ممانعت از سخنرانی نماینده کارگران ایران

۳- اگر امروز هم نهادهای بین المللی کم و بیش پذیرفته اند که جنبش مستقل کارگری ایران وجود دارد و نهادهای مستقل کارگری می توانند نماینده بفرستند، بخاطر مبارزاتیست که کارگران در این مدت داشته اند، بخاطر اعتراضات و اعتصابات و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگریست. کارگرا در این مدت زندان رفتند، کتک خوردند، شلاق خوردند و محروم شدند، اخراج شدند و مجموعا توانسته اند به نهادهای بین المللی بفهمانند که جنبش مستقل کارگری در ایران وجود دارد و خواهان نمایندگان مستقل کارگری هستند.

۴- برای نخستین بار طی سی سال گذشته نماینده ای از سوی جنبش مستقل کارگری ایران به دعوت آی تی یو سی (کنفدراسیون بین المللی سندیکاهای کارگری) در اجلاس سالانه آی ال او (سازمان بین المللی کار) حضور یافت. این اجلاس از روز ۲۸ مه در ژنو آغاز شده و تا روز ۱۳ ژوئن ادامه دارد. در اجلاس سالانه آی ال او نمایندگان دولتهای عضو سازمان ملل متحد شرکت می کنند.

علیرضا ثقفی، سردبیر روزنامه توقیف شده "راه آینده" به نمایندگی از سوی جنبش مستقل کارگری ایران بسیاری در این اجلاس شرکت کرد، اما برای طرح مبرمترین خواست آنان با مانع روبرو شد.

تیتیرهای بالا وتوضیحات آنها که هر کدام در چندین سایت منتشر شده انداگر قصد تحمیل یک غیرکارگر را بعنوان نماینده کارگران ندارند پس چه هدفی را دنبال می کنند؟ کانون مدافعان حقوق کارگران نمی تواند در مقابل کارگران از پاسخ گویی شانه خالی کند چون برخی از سایت ها در زیر متن مصاحبه مطلب زیر را درج کرده اند.

به نقل از سایت : "کانون مدافعان حقوق کارگران"

(مطلب بند ۳ این گونه تداعی می کند که "کارگرا در این مدت زندان رفتند، کتک خوردند، شلاق خوردند و محروم شدند، اخراج شدند و مجموعا توانسته اند" تا ثقفی را به عنوان نماینده خود به آی ال او بفرستند.)

همچنین آن عده از اعضای کانون که ادعای بی خبری و غیر رفرمیستی از خود داشتند از این پس نمی توانند خود را به بی خبری بزنند باید با نقشه های پشت پرده مقابله کنند البته اگر واقعا ...

برای روشنتر شدن برخی مسائل از اعضای کانون می پرسیم:

- ۱- چه سودی خواهید برد اگر بتوانید ثقی را بعنوان نماینده به کارگران تحمیل کنید؟
- ۲- چرا کانون به جای صدور اطلاعیه و محکوم کردن "دستگیری" ثقی فقط به خبررسانی اکتفا کرد؟
- ۳- آیا دستگیری ثقی باعث برگزار نشدن مراسم خاوران شد؟
- ۴- یا- آیا ماجرای دستگیری ثقی پیش نمی آمد مراسم خاوران برگزار می شد؟
- ۵- آیا واقعا شما نمی دانید که ایشان تواب بوده است؟ حتی در دستگیری دانشجویان خودپسرش دست داشتند؟ اگر نمی دانید چرا از دانشجویانی که شب دستگیری با محسن بودند و مذاکرات تلفنی ثقی را با بازجوها در همان شب سوال نمی کنید؟
- ۶- آقای ثقی کارگر کجاست و از طرف کدام کارگران نمایندگی دارد؟ واقعا شما این ایرادات را درک نمی کنید؟
- ۷- آیا فکر می کنید جمهوری اسلامی از پولی که در هفت تپه بین برخی از کارگران تقسیم شده است خبر ندارد؟ آن پول از کجا آمده است؟ بین کدام یک از کارگران تقسیم شده است؟ تقسیم آن به سود چه کسی یا کدام طبقه بوده است؟ آیا بیشتر اعضای کانون هم در این مورد مانند مسائل بسیاری بازیچه شده اند؟...
- ۸- کسانی که امروز کوشش دارند توابعین را به بخشند آیا می دانند که جمهوری اسلامی و امپریالیستها چه نقش های برای توابعین در نظر گرفته اند؟ آیا میدانند که از نظر جمهوری اسلامی و امپریالیستها توابعین هنوز تاریخ مصرفشان تمام نشده است و در آینده از آنها بر علیه رادیکالیزم، انقلاب و انقلابیون استفاده خواهند کرد(استفاده می کنند)؟
- ۹- آیا کسانی که توابعین را می بخشند و با آنها همکاری می کنند می دانند که حزب توده در زمان شاه نادمین تاکتیکی تولید می کرد که بعد آزادی با رژیم شاه همکاری های مستقیم و غیر مستقیم داشتند و در رژیم اسلامی توسط مجاهدین، حزب توده و اکثریت نادمین تاکتیکی به توابعین تاکتیکی تبدیلا شده و به درستی می بینیم که رژیم اسلامی به نحو احسن از توابعین چه واقعی و چه مثلاً تاکتیکی در داخل زندان و حالا در بیرون از زندان به صورت گسترده و حتی جهانی استفاده می کند. آیا ثقی از این قاعده استثنا است؟
- ۱۰- آیا کانون مدافعان حقوق کارگران یک تشکل کارگری است؟ آیا اعضای اصلی آن کارگر هستند؟ آیا نماینده نامیدن آنان دور زدن جنبش کارگری و تحمیل روشنفکران بعنوان نماینده کارگران نیست؟ آیا این کانون با سود بردن از تسهیلاتی که معلوم نیست از کجا به آن تزریق می شود ابزار تحمیل غیر کارگر به کارگران نیست؟ و...

مزدک بهرامیان

۸۷/۶/۱۲